

بار، ۲۰۰ کیلو زباله پیدا می کردیم. به این دلیل که خانم بودم، می خواستند سرم را کلاه بگذارند.»

✚ انبارهای نمکی من را سنگ و قلاب می کردند

زمانی که نقوی زباله های به درد نخور بار را برای انبارها برگشت می زد، دفعه بعد دیگر به او بار نمی فروختند. اوایل، خودش برای خرید بار ضایعات می رفت، اما صاحبان انبارهای نمکی با او معامله نمی کردند زیرا به گفته خودشان، دوست نداشتند با بانوان کار کنند. به همین دلیل، حتی اگر یک دوره به او ضایعات می دادند، مرتبه بعدی به او بار نمی دادند. «زمانی که بار را بعد از آسیاب برای بازاربایی و تحویل می بردم، بیشتر مردان تعجب می کردند از اینکه یک خانم کار باز یافت انجام می دهد. ضمن اینکه بارها پرک ها را در آب می انداختند و آزمایش می کردند که خراب نباشد. بعضی ها همان لحظه تحویل بار با من تسویه حساب نمی کردند به این بهانه که ممکن است کار خوب نباشد.»

چون افراد بار ضایعات را به زنان نمی فروختند، از برادرانش در این زمینه کمک گرفت و هنوز هم آن ها بار می خرید و به کارگاه منتقل می کنند. «از سوی دیگر، افراد از کیفیت بالای کار مطمئن شدند و دیگر در زمینه فروش مشکلی نداشتیم. حتی اگر با دیگران به صورت چکی تسویه حساب می کردند، به من پول نقد می دادند زیرا می دانستند در این حرفه نوپا هستیم و سرمایه در گردش ندارم.»

✚ حتی پسماند شاهنامه هم سهم کارگاه ما نیست

به گفته نقوی، بسیاری از هم صنفی های او از ماه پایانی سال تا ۲۰ روز بعد از عید نوروز، پسماندها را قبول نمی کنند و کارشان تعطیل است، اما همین پسماند باقی مانده باز هم سهم کارگاه او نمی شود. «ما همیشه در حال کار هستیم زیرا نمی توانیم بار به اندازه و قیمت خوب خریداری کنیم. حتی گاهی روزهای جمعه نیز سر کار می آییم تا هزینه ها جبران شود. حتی پسماند همین منطقه را به کارگاه ما نمی دهند. ضمن اینکه از همکاران مرد، چک قبول می کنند، اما من باید همیشه نقد پرداخت کنم.»

✚ تقسیم وظایف خانه داری

به دلیل مشکلات ادامه دار مسیر کارآفرینی، نقوی بارها ناامید می شود و می خواهد کارگاه را تعطیل کند، اما علاوه بر حمایت خانواده و اطرافیانش، دلداری های مادر او را به ادامه کار مجاب می کند. صحبت های مادر را در باره اینکه هر کاری سختی های خودش را دارد و سرانجام بعد از سختی آسانی می رسد آویزه گوش خود می کند. ضمن اینکه حضور برادرانش در پیشرفت کار اثرگذار بوده است. «خوشبختانه فرزندانم در سنی هستند که به من کمک می کنند. به همین دلیل، کارهای مربوط به خانه داری روی دوشم سنگینی نمی کند و حتی روزهای تعطیل دسته جمعی کارهای خانه را انجام می دهیم. دختر بزرگم که نوجوان است کنار دست من در کارگاه کار کرده است و حالا در روزهایی که من و خواهرم در کارگاه نیستیم، کار را مدیریت می کند.»

✚ راه اندازی گلخانه با باز یافت؟

نقوی و خواهرش، پیش از شروع کار، تردید داشتند که در حوزه باز یافت شروع به کار کنند یا گلخانه بزنند. اما بعد از راه اندازی کارگاه و زمانی که با چالش های کار مواجه شدند، با خود فکر می کردند اگر گلخانه می زدند، بیشتر موفق می شدند. «اگر چند سال پیش کار گلخانه را شروع می کردیم تا به حال یک زمین سه هزار متری داشتیم و راحت تر می توانستیم امتیازات آب، برق و گاز را بگیریم. اما در کار باز یافت، هنوز بعد از چند سال من را نمی بینند و این یک شکست بزرگ است. خواهرم ۲ سالی می شود که نتوانسته است از درآمد کارگاه، پولی برای خرج خانه اش بردارد یا برادرم برای اینکه زندگی اش بگذرد، کارهای پاره وقت نیز انجام می دهد.»

نقوی معتقد است هنوز ظروف یکبار مصرف که در مهمانی ها استفاده می شود یا بسته های قرص و کپسول در مشهد قابل باز یافت نیست و دور ریخته می شود زیرا برای این کار باید علم آن را داشته باشیم، اما این کار در شهر اصفهان انجام می شود. «هم اکنون در کارگاه، ضایعات را به ترتیب از رنگ روشن تا تیره آسیاب می کنیم و بعد به کارگاه هایی می دهیم که دستگاه تزریق دارند و می توانند آن ها را به کال تبدیل کنند. اگر بتوانم دستگاه های دیگری تهیه کنم، می توانم کال تولید کنیم تا سود نهایی این کار نیز در مجموعه خودمان باشد. اکنون قسمت سخت و آلوده کار را ما انجام می دهیم، اما سود اصلی را دلال و کسانی که دستگاه های بیشتری دارند می برند.»

اهمیت باز یافت، یعنی استفاده از مواد مصرف شده برای تولید دوباره، در دنیای امروز دوچندان است زیرا با این کار، در مصرف منابع طبیعی و انرژی نیز صرفه جویی می شود. بنابراین انتظار می رود به کسانی که وارد این حوزه می شوند بها داده شود. ضمن اینکه حضور بانوان در این شغل، می تواند تکمیل کننده باشد و مسئولان با حمایت خود از این بانوان کارآفرین، می توانند مسیر را برای آن ها هموارتر کنند.



عکس: مهدیه غفورزادگان شهرار

مواد دور ریختنی دوباره کالایی تولید می شود، به معنی آسیب کمتر به محیط زیست است و حس خوبی دارد. ضمن اینکه دوست داشت بتواند برای مردم به ویژه زنان روستا شغلی ایجاد کند که ناچار به مهاجرت به شهر نباشند یا عمرشان در رفت و آمد از روستا به شهر برای کار تلف نشود. «خواهرم نیز سرپرست خانوار بود و موافق بود که با هم کار را شروع کنیم، اما سرمایه ای نداشتیم. مادرم که اشتیاق من و همسرم را دید، فروش خانه اش را پیشنهاد داد و از همان طریق توانستیم یک کارگاه دویست و پنجاه متری در روستای کافی راه بیندازیم.»

✚ شروع کار با خانواده

نقوی برای شروع کار، رضایت قلبی همسرش را به همراه خود نداشت، اما آن قدر سماجت و پیگیری در کار نشان داد که دیگر همسرش نیز می خواست او ایده های ذهنی اش را پیاده کند. اولین مرتبه، کار را به صورت خانوادگی، با خواهر و برادرانش شروع می کند. «به یاد دارم که کارگاهمان گاز کشی نشده بود. لامپ زده و بخاری چوبی گذاشته بودیم. در آنجا بارهایمان را تفکیک می کردیم. هوا خیلی سرد بود، اما ناچار بودیم کار کنیم.»

نقوی معتقد است از صفر شروع کرده است، و تنها با فروش خانه مادری و یک وام خوداشتغالی از کمیته امداد امام خمینی (ره) کار را شروع می کنند. اوایل درآمد چندانی نداشتند، اما به مرور توانستند زنان روستایی را در کارگاه مشغول به کار کنند. «برادرم زمانی انبار ضایعات داشت و از تجربیات کاری اش استفاده می کردیم. مابقی مراحل کار و جنس شناسی را از اینترنت و با آزمون و خطای خودمان یاد می گرفتیم. به این دلیل که با علم وارد این کار نشده بودیم، بخشی از بارها را به اصطلاح «زنده بار» می فروختیم. یعنی بدون اینکه آن ها را آسیاب کنیم، تحویل می دادیم. کارگران نیز چند ماهی طول می کشید تا کار را یاد بگیرند.»

✚ نبود خوراک دستگاه نیروها را کاهش داد

رفته رفته تعداد کارگران زن در این کارگاه را به ۱۵ نفر می رساند، اما به دلیل اینکه در تأمین خوراک دستگاه ها دچار مشکل می شود، تعداد کارگران را به ۶ نفر کاهش داده است. «کارگاهمان برای این کار کوچک بود. به همین دلیل در بولوار شاهنامه سوله ای چهارصد متری اجاره کردم، اما در ۳ سالی که این کار را شروع کرده ام، ۲ سال است با مشکل خوراک دستگاه ها مواجه هستیم. در این زمینه خیلی با بخش پسماند شهرداری رایزنی کرده ام، اما هنوز بی فایده مانده است و از درآمد اینجا تنها توانسته ام کرایه سوله و حقوق کارگرانم را بدهم.»

او معتقد است به این دلیل که نمی تواند بار را ارزان خریداری کند، دخل و خرجشان با هم برابر است و حتی نمی توانند به قدری صرفه جویی کنند تا تجهیزات بیشتری تهیه کنند. «در سال گذشته، میانگین ۱۳۰ کیلو بار برای کارگاه می آمد که این میزان به هیچ وجه کفاف کار را نمی داد. هنوز هم برای خوراک دستگاه ها به هرجامی رویم به بن بست می خوریم و گاهی حتی باری که از انبارهای نمکی می گیریم، مقدار زیادی زباله دارد که به درد کار ما نمی خورد. برای نمونه، در ۵۰۰ کیلو بار، ۲۰ یا ۳۰ کیلو زباله طبیعی است، اما ما از این میزان

شهربانو

۲۰ شهریور
۱۴۰۰
۱۰ آبان ۱۴۰۰
۱۰ آبان ۱۴۰۰ شماره ۲۵۱۷

(۵)